



## A Case Study of Barriers to Social Justice in the Qur'an (Based on Grounded Theory)

Seyed Ali Naqi Ayazi<sup>1</sup>  
Seyed Mohamad Ali Ayazi<sup>2</sup>

Received: 23/10/2021

Accepted: 19/02/2022

DOI: 10.22051/tqh.2022.37906.3369

DOR: 20.1001.1.20082681.1401.19.3.1.6

### Abstract

*Progress is a process that leads to continuous improvement in all areas of life, both material and spiritual, social and political. This has made the planners think about how to achieve it. Since it is inevitable for progress to pass through the path of social justice, all schools have established their foundation to achieve justice and have put the examination of obstacles and how to remove them on their agenda. In this article, an attempt has been made to study the obstacles to justice in the Holy Qur'an by using the grounded theory method as one of the qualitative methods. It answers the question, "what are the obstacles to achieving social justice from the perspective of the Quran?" In the process of answering the question, by using modern methods of data processing in Qur'anic studies and in order to discover ideas and perspectives in the field of obstacles to justice, two central categories have been achieved. In the first category, i.e. the spirit of avoiding justice, it explained the types of individual and collective intellectual and moral disasters and explained the obstacles to justice under the following concepts: aggression, abandonment of social support, theft, extravagance and unfair judgment. In the second category, i.e., the culture of oppression, by enumerating the concepts of misguidance, divisiveness, the spread of anomalies and friendship with the infidels of war, this group of obstacles is explained and analyzed in a continuous interaction and in connection with each other, and then the model of obstacles to the realization of justice is drawn.*

**Keywords:** *Qur'anic Studies, Qualitative Method, Social Justice, Evasion of Justice, Culture of Oppression, Grounded Theory.*

---

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Research Center of Islamic Sciences and Culture, Tehran, Iran. (The Corresponding Author); Email: a.ayazi@isca.ac.ir

<sup>2</sup>. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith sciences, Islamic Azad University, Sciences and Research Branch, Tehran, Iran. Email: ayazi1333@gmail.com

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال نوزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱، پیاپی ۵۵

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۲۵-۱

## مطالعه موردی موانع عدالت اجتماعی در قرآن (مبتنی بر نظریه زمینه‌ای)

سید علی نقی ایازی<sup>۱</sup>

سید محمد علی ایازی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

DOI: 10.22051/tqh.2022.37906.3369

DOR: 20.1001.1.20082681.1401.19.3.1.6

### چکیده

پیشرفت، فرایندی است که منجر به بهبود مداوم در همه عرصه‌های زندگی، اعم از مادی و معنوی، اجتماعی و سیاسی می‌شود. این امر باعث شده تا برنامه ریزان نسبت به چگونگی تحقق آن بیندیشند. از آنجا که عبور پیشرفت از مسیر عدالت اجتماعی گریزناپذیر است؛ همه مکاتب، اساس خود را برای رسیدن به عدالت پایه ریزی کرده و بررسی موانع و چگونگی زدایش آن را در دستور کار خود قرار داده اند. در این مقاله تلاش شده تا با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، به عنوان یکی از روش‌های کیفی، مطالعه موانع عدالت ورزی در قرآن کریم، صورت گیرد و به این پرسش پاسخ دهد. موانع تحقق عدالت اجتماعی از منظر قرآن چیست؟ در فرایند پاسخگویی به این پرسش، با بهره‌گیری از روش‌های نوین داده‌پردازی در مطالعات قرآنی و به منظور کشف نظریات و دیدگاه‌ها در عرصه موانع عدالت ورزی، به دو مقوله محوری دست یافته است. مقوله اول: روحیه عدالت‌گریزی؛ در این مقوله به تبیینی از انواع آفات فکری و اخلاقی فردی و جمعی پرداخته و در ذیل مفاهیم تجاوزگری، ترک حمایت اجتماعی، سرتق، افزون‌خواهی و داوری ناعادلانه، موانع عدالت ورزی را توضیح داده است. مقوله دوم: فرهنگ ستم؛ در این مورد با احصاء مفاهیم گمراهی، تفرقه‌افکنی، اشاعه ناهنجاری‌ها و دوستی با کفار محارب، این دسته از موانع را توضیح داده است این دو مقوله در یک تعامل پیوسته و در ارتباط با هم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و الگوی موانع تحقق عدالت ترسیم شده است.<sup>۳</sup>

**کلیدواژه‌ها:** مطالعات قرآنی، روش کیفی، عدالت اجتماعی، عدالت‌گریزی، فرهنگ ستم، نظریه زمینه‌ای.

۱ - استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). a.ayazi@isca.ac.ir

۲ - استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. Ayazi1333@gmail.com

۳ این مقاله مأخوذ از طرح پژوهشی است که توسط نویسنده مسئول در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی صورت گرفته است.

## مقدمه

با توجه به بُعد معرفت‌افزایی مطالعات قرآنی و به‌منظور تولید آراء و دیدگاه‌های نوین، نظریه‌پردازی در این ساحت، می‌تواند ارتباط تنگاتنگی با روش‌شناسی در حوزه علوم انسانی داشته باشد؛ به عبارت دیگر، تعامل مطالعات قرآنی با روش‌های نوین، می‌تواند منجر به ظهور نظریات جدیدی در حوزه قرآن‌پژوهی شود.

روش‌های متداول در مطالعات قرآنی برای تولید معرفت‌های نوین، می‌تواند به دو روش کمی و کیفی مورد مذاقه قرار گیرد و هر یک از این روش‌ها برخوردار از فنون خاصی است که به فراخور موضوع، امکانات، زمان و دیگر عوامل به کار گرفته می‌شود.

فرایند مطالعات قرآنی در روش کیفی عبارت است از؛ شناسایی آیات مرتبط، به‌عنوان اسناد زنده‌ای که در فرایند تفسیر مورد استناد قرار می‌گیرد و به‌عنوان داده‌های خام، تفسیر و تأویل می‌شود. به‌منظور تفسیر دقیق‌تر، می‌توان آیات را در این روش مفهوم‌سازی<sup>۱</sup> کرد تا فرایند فهم آیات از دقت بیشتری برخوردار شود. همچنین مفهوم‌سازی به‌وضوح بیشتر در بساخت مقوله‌ها<sup>۲</sup> کمک می‌کند. در روش کیفی، داده‌های جمع‌آوری شده تفسیرپذیرند و این تفسیر «به‌منظور کشف مفاهیم و رابطه‌ها در داده‌های خام و سازمان دادن آن‌ها در قالب یک طرح توضیحی نظری انجام می‌شود» (انسلم و استراوس، ۱۳۹۰، ص ۳۳).

بررسی پیشینه نشان می‌دهد، تحقیقی مرگب از دو موضوع کاربرد روش‌های کیفی و بررسی محتوایی موانع عدالت اجتماعی در قرآن وجود ندارد ولی به‌طور تفکیک شده مطالعاتی وجود دارد. بخشی از این مطالعات ناظر به بررسی موانع عدالت ورزی است و بخشی دیگر معطوف به کاربرد روش نظریه‌زمینه‌ای در مطالعات قرآنی است. در بخش اول، اخلاقی (۱۳۸۹) در مقاله «راهکارها و موانع تحقق عدالت در نظام سیاسی اسلام» به بررسی راهکارهای تحقق عدالت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، قضایی و فرهنگی با استناد به منابع و متون دینی پرداخته و در ادامه موانع تحقق عدالت از نظر نظام سیاسی اسلام با تکیه بر قرآن و سنت را مورد بررسی قرار داده است. احمدی (۱۳۹۰) نیز در مقاله «عدالت اجتماعی در نهج البلاغه؛ زمینه‌ها، موانع و دستاوردها»، بر این باور است که بخش عمده موانع عدالت ورزی را باید در زمینه‌های تحقق نیافته عدالت اجتماعی جست و از سیزده عامل به‌عنوان موانع یاد می‌کند و در ادامه، این دسته از موانع را یا به حکومت و یا توده‌های مردم ارجاع می‌دهد.

در بخش دوم، ایازی (۱۳۹۶) در مقاله «تأثیر کنش‌های اجتماعی در فرایند پیشرفت بر اساس آموزه‌های قرآن» به شناسایی انواع کنش‌های اجتماعی با استفاده از روش نظریه‌زمینه‌ای پرداخته و بر اساس مفهوم پردازی و مقولات مرتبط

<sup>۱</sup> - conception: مفهوم سازی اولین مرحله از فرایند تحقیق مبتنی بر نظریه‌زمینه‌ای است که به فروگاهی و تقلیل داده‌ها به مفاهیم و نمایه‌های بسیط اطلاق می‌شود.

به شش دسته از کنش ها دست یافته که در تعامل با هم پیشرفت را رقم می زنند. یاقوتی (۱۳۹۹) نیز در مقاله «جستاری در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات بر مبنای پژوهش زمینه ای» به نظریه فقرزدایی قرآن و روایات، مبتنی بر شیوه پژوهش زمینه ای پرداخته است. نظریه فقرزدایی قرآن و روایات به دو دسته علت های فردی و اجتماعی در ایجاد فقر اشاره می کند. نظریه اسلام همچنین به شرایط زمینه ای و عوامل مداخله گری می پردازد.

وجه تمایز این نوشتار در روش شناسی کیفی مطالعات قرآنی و به طور مشخص به روش نظریه زمینه ای قرآن پژوهی است که در آثار مشابه و مشترک دیده نمی شود، بررسی های قرآن پژوهی و ارائه تفسیر اجتماعی از موانع عدالت ورزی نیز از دیگر امتیازات آن محسوب می شود.

### روش تحقیق

نظریه زمینه ای<sup>۱</sup> یکی از روش های پژوهش کیفی بوده و مبتنی بر استقراء و اکتشاف است. منظور از نظریه زمینه ای، نظریه ای است که مستقیماً از داده هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده اند. فقدان یک تئوری از پیش تعیین شده، از ویژگی های بارز این نوع تحقیق است. در این روش گردآوری داده ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ اند. در این روش پژوهشگر، کار را با نظریه ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی کند (مگر آن که منظور او بسط نظریه موجود باشد)، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می کند و می گذارد تا نظریه از درون داده هایی که گردمی آورد، پدیدار شود. (استراوس و کرین، ۱۳۹۰، ص ۳۴). این مهم، شکل گیری نظریه، در فرایند تحقیق شکل می گیرد. بر این اساس، روش "نظریه زمینه ای" «یک روش پژوهش عمومی برای تولید تئوری است؛ تئوری ای که بر اساس گردآوری و تحلیل نظام مند داده بنیان نهاده شده است. و نظریه در طول تحقیق اتفاق می افتد و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده ها حاصل می شود.» (منصوریان، ۱۳۸۵، ص ۴) در این روش «جمع آوری اطلاعات و آنالیز آن ها در یک تعامل بسیار نزدیک با یکدیگر می باشند.» (علی احمدی و نهایی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۷) تا جایی که «مهم ترین عامل در این روش نزدیکی همیشگی با داده هاست.» (همان، ص ۳۰۸)

به منظور کاربست روش مذکور در مطالعات قرآنی، ابتدا هر یک از کدگذاری های سه گانه<sup>۲</sup>، مطابق دستورالعمل این روش، از میان آیات شناسایی شده و مرتبط با موضوع تحقیق، صورت می گیرد. در کدگذاری باز آیات، کدی متناسب با موضوع تحقیق و سیاق آیه به آن می دهیم و چنانچه سیاق ظاهری پذیرنده کد نباشد، به آن دسته از تفاسیری که در بیان معنوی مفاهیم آیه دلالت روشن تری می کند مراجعه کرده و کد انتسابی را بر اساس آن گزاره تفسیری انتخاب می کنیم.

<sup>۱</sup> - Grounded theory

<sup>۲</sup> - کدگذاری باز، محوری و گزینشی.

سپس در سطح دوم کدبندی باز، دسته‌بندی مفاهیم نسبتاً یکسان آیات که می‌تواند در یک مقوله عام‌تری قرار گیرد و از شمول بیشتری برخوردار باشد، انجام می‌شود.

هدف از کدگذاری محوری آیات، «بازگرداندن نظم و انسجام به داده‌های کدبندی‌شده، دسته‌بندی، ترکیب و سازماندهی میزان زیادی از داده‌ها و باز جمع کردن آن‌ها به شیوه‌های جدید است.» (محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۳۳۵).

در مرحله پایانی کدگذاری که از آن با عنوان گزینشی تعبیر می‌شود، محقق در صدد است از رهیافت کدگذاری دو مرحله پیشین به یک انسجام فکری برسد تا زمینه تدوین نظریه را فراهم سازد، لذا ناگزیر باید به زدایش و پالایش دست زند که نتیجه آن یکپارچه‌سازی و وصول به نظریه باشد. (ایازی، ۱۳۹۵، ص ۴۰)

«یکپارچه‌سازی، تعاملی است که میان تحلیلگر و داده‌ها رخ می‌دهد.» (استراوس و کربین، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶) اولین گام برای تحقق یکپارچه‌سازی، انتخاب مقوله مرکزی و یا هسته اصلی است که قوام نظریه متکی بر آن بوده و دیگر مفاهیم به گونه‌ای به آن مرتبط می‌شود. «مقوله مرکزی حاصل همه تحلیل ما را در قالب چند کلمه می‌ریزد. این چند کلمه به ما می‌گویند که کل پژوهش در باب چیست» (همان، ص ۱۶۷).

### ۱- مطالعه موردی «موانع عدالت اجتماعی در قرآن»

به منظور عملیاتی‌سازی روش نظریه زمینه‌ای، موانع عدالت اجتماعی در قرآن، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. منطبق با کاربرد این روش، گردآوری داده‌ها از میان آیات وحی، نخستین مرحله‌ای است که باید اقدام نمود، لذا با مراجعه به قرآن، آن دسته از آیاتی که در ذیل موانع عدالت‌ورزی تشخیص داده شد، مفهوم‌سازی و در مقولات مرتبط طبقه‌بندی شدند.

#### ۱-۱- کدبندی متمرکز موانع عدالت اجتماعی

مفاهیم شناسایی شده، ذیل موضوع موانع عدالت‌ورزی عبارتند از:

#### ۲-۱-۱- تجاوزگری از موانع مهم عدالت

تمرد، نافرمانی و طغیان از جمله رذائلی است که در طول تاریخ همواره موجب سقوط بسیاری شده است. افراد متمرد که خودرأیی، منطق استبدادی و رجاء افراطی را به همراه دارند، تمردشان همواره بر اثر یکی از علل خودبینی، ثروت، انکار معاد و جهالت و غفلت نشئت می‌گیرد که سبب سقوط فرد از مدارج عالی انسانی می‌گردد. تجاوزگری در اشکالی خود نمایی می‌کند. (احمدی، صالح، ۱۳۹۵، «تمرد از فرامین الهی»، [sadeghain.net](http://sadeghain.net))

#### ۳-۱-۱- تجاوز به حقوق هم نوع

شایع و ملموس‌ترین حالت تجاوزگری، ستم به دیگران یا ظلم اجتماعی است که حساسیت انسان‌ها به این نوع از ظلم بیش‌تر است. مردم حقوقی دارند که باید بدان‌ها احترام گذاشت و نباید از حریم آن‌ها تجاوز کرد، بلکه لازم است تا در

ادای حق آنان کوشا بود. فراوانی این دسته از تجاوزات باعث می شود تا این امر تبدیل به هنجار<sup>۱</sup> اجتماعی شود و در نتیجه بستر و زمینه عدالت ورزی به وجود نیامده و مانع جدی در مسیر عدالت ورزی قرار گیرد و عدالت ورزی امری نابهنجار تلقی شود.

**یکم: ستم به زنان و خانواده:** گاه در شرایط اجتماعی و تربیت خانوادگی ستم به زنان امری معمول و ناهنجاری آن در جامعه رواج می یابد. قرآن در این باره فرموده است: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سِرْحُونٍ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ...» (بقره: ۲۳۱) در مقام رعایت حقوق همسری که تصمیم به جدایی گرفته، چنین دستور می دهد «هرگاه زنان را طلاق دادید و مهلتشان سرآمد، یا آنان را به نیکو وجهی نگه دارید یا به نیکو وجهی رها سازید؛ و تا بر آن‌ها زیان برسانید یا ستم بکنید نگاهشان مدارید؛ و هر کس که چنین کند به خویشتن ستم کرده است...». طبعاً عدم رعایت و تجاوز به حق همسر به عنوان مانع عدالت ورزی و به تعبیر قرآن ستم به خود، فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ، از آن یاد شده است.

**دوم: بی توجهی به حقوق نیازمندان:** «قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ» (۲۹) فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتْلَاوَمُونَ (۳۰) قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (۳۱) (قلم: ۳۱-۲۹) «هنگامی که به عمق بدبختی خود آگاه شدند فریادشان بلند شد و "گفتند: وای بر ما که طغیانگر بودیم!" (قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ). آن‌ها در مرحله قبل اعتراف به "ظلم" و ستم کردند و در اینجا اعتراف به "طغیان" و در حقیقت طغیان مرحله‌ای است بالاتر از ظلم، زیرا ظالم ممکن است اصل قانون را بپذیرد ولی بر اثر غلبه هوای نفس ستم کند، اما طغیانگر اصلاً زیر بار قانون نمی رود و آن را به رسمیت نمی شناسد. این احتمال نیز وجود دارد که ظلم اشاره به "ظلم بر خویشتن" است و طغیان اشاره به "تجاوز بر حق دیگران" چنانکه برخی از مفسران گفته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۴۰۲).

#### ۴-۱-۱- تجاوز از فرمان الهی

خداوند عادل، فرامینی در جهت سعادت انسان ابلاغ کرده است، زمانی که آدمی با پیروی از خواهش‌های نفسانی خویش و با تخطی و تمرد، از این فرامین روی می نهد، در حقیقت روح و روان خود را آکنده از آلودگی‌ها می گرداند که دیگر جایی برای سعادت باقی نمی ماند؛ در این وضعیت روحیه ستم پیشگی و تجاوز از فرمان الهی می تواند در او توسعه یابد که هم به دیگران و هم به خود بی عدالتی ورزد. «...وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ...» (طلاق: ۱). نویسنده کتاب تفسیر المیزان در ذیل تفسیر این آیه چنین تقریر کرده‌اند. «تمامی احکام الهی حدود اعمال بندگان است و کسی که

<sup>۱</sup> norm- هنجار معیار تثبیت شده‌ای از آنچه که باید در یک فرهنگ خاص وجود داشته باشد، اطلاق می شود و به چهار صورت ارزش‌ها، عرف‌ها، آداب و رسوم و قوانین نمایان می شود. (کونین، ۱۳۷۲، ص ۱۴۶)

از آن احکام تجاوز کند در حقیقت از حدود خدا تجاوز کرده و آن را رعایت ننموده و کسی که چنین کند یعنی نافرمانی پروردگار خود کند، به خود ستم کرده است.» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۵۲۵). آیات ۳۵ و ۵۹ سوره بقره، ۶۴ سوره نساء، ۴۵ و ۵۱ سوره مائده، ۱۹ اعراف، ۴۰ عنکبوت، ۷۴ و ۷۶ سوره زخرف و ۲۲ ابراهیم دلالت بر تجاوز آدمی از فرامین الهی دارد.

## ۲-۱- مفهوم ترک حمایت اجتماعی

در عدالت‌ورزی عنصر توجه به دیگری و رعایت حقوق نهفته است، در این اثنا، حمایت اجتماعی از ارکان عدالت‌پیشگی شمرده شده و بی‌توجهی به آن، می‌تواند ساختار و شاکله عدالت را مورد تهدید قرار دهد؛ زیرا «حمایت اجتماعی باعث می‌شود، افراد باور کنند که مورد احترام و ارزش دیگران هستند و به شبکه‌ای با تعهدات دو سویه تعلق دارند. این گونه از حمایت، تحت تأثیر عوامل متعدد شخصی و محیطی قرار می‌گیرد.» (رستگار و مردانی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۲) این مهم، زمامداران عدالت‌پیشه را به توسعه حمایت‌های اجتماعی در طیفی گسترده برای آحاد اعضای جامعه ترغیب نمایند؛ زیرا جامعه برخوردار از حمایت اجتماعی برای اعضایش می‌تواند جامعه مطلوب را فراهم نموده و اعضا را نسبت به شرایط بحرانی و دشوار مقاوم‌پذیر سازد و عدالت را با تمام وجود احساس کنند.

با این وصف، در هر جامعه‌ای افرادی وجود دارند که به دلایلی قادر نیستند نیازهای زندگی خویش را تأمین کنند. کنش‌های حمایتی می‌تواند در کمال عزت‌نفس و احترام به افرادی با این خصوصیت عمل کرده و باعث کاهش فقر و فاصله طبقاتی بین توانگران و ناتوانان شود. این امر، موجب می‌شود که وضعیت معیشتی قشر مستضعف بهبود یافته و متعاقب آن، مودت و محبت، گردش ثروت، ایجاد امنیت و سلامت عمومی در جامعه افزایش یابد.

اجتناب و پرهیز توانگران از ادای این دین انسانی به هم‌نوعان موجب گسست اجتماعی شده و تداوم آن می‌تواند موجب شکل‌گیری ستم شود. لذا از ترک کنش حمایتی تعبیر به مانع عدالت شده است. «... وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۵۴)، اشاره به این که آن‌ها که انفاق و زکات را ترک می‌کنند هم به خویشتن ستم روا می‌دارند و هم به دیگران «مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۲۸). در این آیه امتناع در پرداخت انفاق، به‌عنوان کنش حمایتی، از موانع عدالت‌ورزی شمرده شده است.

### ۲-۱-۱- سرقت و ایجاد ناامنی مالی

اگر ناامنی در جامعه سرایت یافت، زمینه‌های ستم متقابل فراهم می‌شود. ظلم را وضع‌الشیء فی غیر موضعه تعریف کرده‌اند (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۵۹۳) در سرقت، رفتار دزد در غیر موضع است و خداوند برای سارق کیفری پیشگیرانه و عبرت‌گیرانه برای دیگران تعیین کرده است (مائده: ۳۸). با این وصف، تملک مجازی سارق به مال مسروقه مصداقی از ظلم شمرده می‌شود و می‌تواند در شمار موانع عدالت جای گیرد. لذا تعبیر به توبه پس از ظمی که سارق مرتکب شده است؛

«فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۳۹). دلالت بر این معنا می‌کند که سرقت می‌تواند از موانع عدالت پیشگی شمرده شود.

### ۲-۲-۱-افزون خواهی

تکثیر به معنای رشد، افزونی، ازدیاد، تکثیر و افزایش آمده است. (آذرنوش، ۱۳۸۴، ص ۵۸۰). این خصوصیت نه تنها ضد عدالت و مانع اجرای آن است که ضد انسانیت است؛ زیرا انسان فزون‌خواه جز به انباشتن ثروت به چیز دیگری نمی‌اندیشد؛ و این عمل موجب بدبینی، شکاف اجتماعی، کینه و عصیان شده و هر روز که بیشتر شود، فاصله میان جامعه رخ خواهد داد. از این روی، در قرآن و روایات به‌عنوان پدیده‌ای ضد ارزشی، ویرانگر فضائل اخلاقی و مستوجب کیفر معرفی می‌کند. «... وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴). نویسنده تفسیر المیزان در تفسیر این آیه بر این باور است که وقوع بسیاری از جرائم و جنایات یا از فقر مفرط و گسترش یافته است و یا ثروت بی‌حسابی که در دست متمولان انباشته شده و عدالت ورزی را با مشکل مواجه می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۳۳۰). بنابراین، قرآن کریم فرایند شکل‌گیری این پدیده را در قالب عدم انفاق و دستگیری از مستمندان و انباشت ناموزون ثروت در بین اعضای جامعه معرفی می‌کند.

در آیه ای دیگر، «إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَلِي نَعَجَةٌ وَأَحَدَةٌ فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالٍ نَعَجْتِكَ إِيَّاهُ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ...» (ص: ۲۴-۲۳). نویسنده تفسیر من وحی القرآن در ذیل تفسیر آیه چنین می‌نویسد. «چگونه می‌خواهد گوسفند برادرش را به گوسفندش بیافزاید و به او واگذار نمی‌کند تا بتواند از آن بهره‌مند شود؟ و چگونه ثروتمند به فقیر فشار می‌آورد و اقتدار خود را بر او تحمیل می‌کند تا آنچه را که دارد ببرد... این ظلم است» (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص ۲۴۶). در این آیه به صراحت زیاده‌خواهی ثروتمندان را مانع عدالت ورزی معرفی می‌کند.

### ۳-۲-۱-داوری ناشیست

انسان موجودی است که در زندگی نیازمند برقراری مناسبات و روابط اجتماعی با دیگران است. طبیعی است این شکل از زندگی اجتماعی افراد به خاطر حفظ منافع بیشتر، محل بروز اختلافات و درگیری‌ها و همچنین اظهارنظرها در مورد اشخاص، حوادث و رویدادهای گوناگون باشد. وجود این آسیب اجتماعی، ضرورت داوری‌ها را در جامعه بشری توجیه نمود، بر اساس آموزه‌های دینی، ابتدا حق قضاوت و داوری به‌طور مطلق، در دنیا و آخرت مخصوص خداوند معرفی شد، سپس خدای سبحان برای پایان بخشیدن به نزاع‌ها و حل اختلافاتی که در زندگی دنیوی مردم رخ می‌دهند، ابتدا پیامبران و جانشینان ایشان را به خلافت خویش در زمین برگزیده و این مسئولیت خطیر را بر عهده ایشان نهاده است: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...» (ص: ۲۶). بنابراین، هدف از



قضاوت، احقاق حق و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی است. برای رسیدن به این هدف، حکومت باید اولاً: خود به افراد تحت حاکمیتش ظلم نکند، مانند این که از طریق دستگاه قضایی با صدور احکام ناعادلانه و اعمال زور به ظلم و ستم دامن نزند. ثانیاً: از ظلم و تعدی افراد به یکدیگر ممانعت به عمل آورد. بدین منظور با نصب قضات عادل می‌توان به این مهم دست یافت. چون داورهای ناعادلانه مانعی جدی در مسیر عدالت ورزی است. «... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده: ۴۵). نویسنده تفسیر «من وحی القرآن» استدلال شایسته‌ای از قباحت و زشتی عدم حکم به آنچه خداوند فرمان داده می‌کند که بازخوانی آن قابل توجه است. ایشان بر این باور است عدم حکم بما انزل الله از ظلم متجاوز بس خطرناک‌تر است، زیرا متجاوز در ظلم خود از جایگاه فردی به جنایت دست می‌زند، اما داور با عدم صدور حکم بما انزل الله، ظلم را در جامعه تقویت کرده و منجر به گسترش ظلم در بین مردم می‌شود و در نتیجه فراوانی ظالمان افزایش یافته و جسارت در ستم ارتقاء می‌یابد (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۱۹۲).

#### ۴-۲-۱- مفهوم گمراهی

عدالت‌ورزی در دو ساحت مادی و معنوی قابل تصور است. نظام توزیع عادلانه کالا و بهره‌مندی از خدمات از مصادیق عدالت مادی محسوب می‌شود. بعد دیگر عدالت‌پیشگی در ساحت معنوی، عبارت از دسترسی به اطلاعات آزاد به منظور کشف مسیر حرکت به تعالی است که می‌تواند مسیر تعالی و رشد آدمی را تسهیل کند. اختلال در هدایت یافتگی که می‌تواند زمینه ساز گمراهی شود، از موانع عدالت‌ورزی شمرده شده است. در ذیل این مفهوم، مصداق گمراه کردن دیگران بیان شده که از آن به عنوان مانع عدالت‌پیشگی یاد می‌شود.

هدایت و راه‌یابی برای طی کردن مسیری که انسان را به سعادت برساند، به‌طور فطری در انسان وجود دارد. در کنار این امر فطری عواملی وجود دارد که می‌تواند مایه گمراهی او گردد. گمراه ساختن دیگران بر اساس آموزه‌های قرآن ظلم و ستم به دیگران محسوب شده و سدی در برابر عدالت‌جویی ایشان خواهد شد. «وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۴۴﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿۴۵﴾» (اعراف: ۴۴-۴۵). «ظالمین با آیه " الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ " تفسیر شده، پس " ظالمین " عبارتند از کفار و منکرین آخرت و معاندین حق که همواره راه خدا را ناهموار و منحرف می‌خواهند و دیگران را نیز از سلوک آن بازداشته منصرف می‌سازند» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۵).

#### ۵-۲-۱- ایجاد تفرقه و گسست اجتماعی

وحدت مسلمانان می‌تواند یکی از عوامل و پیش‌نیازهای اجرای عدالت در جوامع اسلامی باشد و رشد و شکوفایی علمی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی جامعه را در پی داشته باشد. چون اختلاف، تفرقه و دشمنی همواره و در طول تاریخ، عامل

عقب ماندگی و سقوط تمدن‌ها و ملت‌ها بوده است. جامعه‌ای که گرفتار تفرقه و عداوت است، نمی‌تواند از عدالت بهره‌ای ببرد، زیرا که معمولاً در محیط‌های آلوده و تبعیض‌آمیز، اعمال عدالت نیز دشوار است. در واقع، طرفداران تبعیض، تمایل دارند که با ایجاد تفرقه و هرج و مرج به ظلم و بی‌عدالتی خود ادامه دهند؛ بنابراین، تفرقه جامعه را با آسیب بزرگی مواجه می‌سازد و آن گسترش نزاع و انحراف از هدف اصلی است. اگر جامعه‌ای بخواهد روی آسایش، عدالت و رفاه را ببیند، چاره‌ای جز گردن نهادن در برابر اصول وحدت و همبستگی و احترام به دیگران ندارد. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۰۷﴾ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰۹﴾» (توبه: ۱۰۷ و ۱۰۹). در آیه ۱۰۷ ابتدا خداوند به عملکرد کسانی که در ظاهر در مقام ساخت مسجدی بودند که عامل تفرقه و گسست اجتماعی شده، و مهم‌تر در مقام و ساختن کمینگاهی برای دشمنان و اِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ بوده که آن را تفتیح می‌کند و در آیه ۱۰۹ این نوع کنش تفرقه افکنانه را ستم و به‌عنوان مانع عدالت ورزی برمی‌شمارند.

#### ۶-۲-۱- اشاعه نابهنجاری‌های معارض با کرامت انسانی

دو مقوله اخلاق و عدالت از محورهای اصلی در جوامع بهنجار بوده که سیاست‌ورزان و مصلحان اجتماعی در صدد تحقق آن هستند. با تحقق عدالت و تخلُّق به اخلاق نیک است که انسان در مسیر امر بهنجار قرار می‌گیرد. تخلف از این وضعیت، تحقق عدالت را با مشکل مواجه می‌سازد. برخی از این کنش‌های نابهنجار می‌تواند مانعی جدی در مسیر عدالت ورزی قرار گیرد. در آموزه‌های قرآنی وجود برخی از این نابهنجاری‌ها را ناشی از زوال عدالت و رواج ستم، در آن جامعه معرفی کرده است. عیب‌جویی، تمسخر و خطاب به القاب زشت از اموری است که می‌تواند به اشاعه نابهنجاری‌ها کمک کند.

عیب‌جویی، تمسخر و خطاب به القاب زشت از این منظر مخرب کرامت انسان است که زمینه همگرایی و انسجام و وحدت اجتماعی را از بین می‌برد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بِيْسِ الْأَسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (حجرات: ۱۱)». عیب‌جویی و تفحص در کاستی‌های زندگی یکدیگر، عامل گسست اخوت و برادری ایمانی و از میان رفتن همدلی و وفاق اجتماعی است. بسیاری از مشکلات جوامع از آن رو پدید می‌آید که هر کسی در زندگی دیگر کنکاش کرده و کاستی‌ها و ضعف‌ها و عیوب دیگری را شناسایی کند. این خصوصیت ایجاد بدبینی و نشر دشمنی می‌کند و نیز با عدالت ورزی به‌عنوان یک عامل انسجام‌بخش نیز در تعارض است. آموزه‌های قرآنی از این مسئله به‌عنوان یک چالش در برابر رشد و کمال جامعه یاد کرده و مانعی برای شکل‌گیری عدالت ورزی برمی‌شمارد. عدالت در سایه انسجام و همدلی

بین آحاد جامعه به وجود می‌آید و تخریب دیگران با این امر ناسازگار است و کسانی که توبه نمی‌کنند را ستمکار معرفی می‌کند.

### ۷-۲-۱- انحراف جنسی

انحرافات جنسی عبارت است از: ارضای غریزه جنسی به غیر از روش و رفتارهای معمول و پذیرفته شده در جامعه. این خصوصیت از این جهت مانع عدالت‌ورزی شده و به‌عنوان ستم بر خویشان از آن یاد می‌شود که فرد، مرتکب عملی نابهنجار شده و تکر آن، وی را در زمره افراد کجرو قرار داده و از دیگر سو، فراوانی معنادار این نابهنجاری در بین آحاد یک جامعه می‌تواند آن را به هنجار تغییر دهد و جامعه‌شناسان آن را نوعی رفتار تبه‌کارانه و خلاف موازین اجتماعی دانسته‌اند و وجودش را برای دوام نظام اجتماعی و عدالت زیان‌بخش می‌دانند. (قائمی، ۱۳۷۲، ص ۹۵). زیاده‌خواهی، سرکوب‌گری و آزادی‌های جنسی مفرط، برخی از عوامل رواج انحرافات جنسی است که می‌تواند منجر به هنجارمند شدن آن در سطح جامعه شود و در این صورت است که زوال عدالت از پیامدهای آن است. «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۲۹﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿۳۰﴾ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿۳۱﴾» (معارج: ۳۱-۲۹). در این آیات و آیاتی مشابه در اوائل سوره مؤمنون تجاوزگری از حدود الهی می‌تواند مانع عدالت‌ورزی شود. آیات ۵-۷ سوره مؤمنون، ۲۳ سوره یوسف و ۳۱ عنکبوت نیز بر همین معنا دلالت می‌کند.

### ۸-۲-۱- مفهوم دوستی با کفار محارب

ارتباط گسترده و همزیستی بین کشورها و ملت‌ها از ویژگی صلح قرآنی است و به همین روی، نباید مسلمانان از داشتن رابطه با دیگر کشورها گریزی داشته باشند. در عین حال، در این ارتباط علاوه بر حفظ منافع ملی، پای بندی به اصول ارزشی و دستورات دینی قرآن کریم بسیار ضروری است. یکی از این اصول، اصل نفی سلطه کافران بر مسلمانان (نفی سیل) است که بر تمام اصول دیگر حاکمیت دارد. این اصل برگرفته از سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: «..... وَكُنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا وَخَدَاوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. (نساء: ۱۴). طبق این آیه شریفه تمام روابط باید بر اساس این اصل، برنامه‌ریزی و کنترل شود و ارتباط میان مسلمانان و کافران نباید به گونه‌ای باشد که ذلت جامعه اسلامی به دنبال داشته باشد؛ بنابراین، از هر نوع ارتباطی که جامعه اسلامی را وابسته ذلیلانه کند باید دوری جست. در غیر این صورت است که دوستی و مودت، بدون توجه به این اصل بنیادین، می‌تواند زمینه شکل‌گیری ظلم را فراهم کرده و عدالت از جامعه رخت بریندد. «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الذِّينِ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه: ۹).

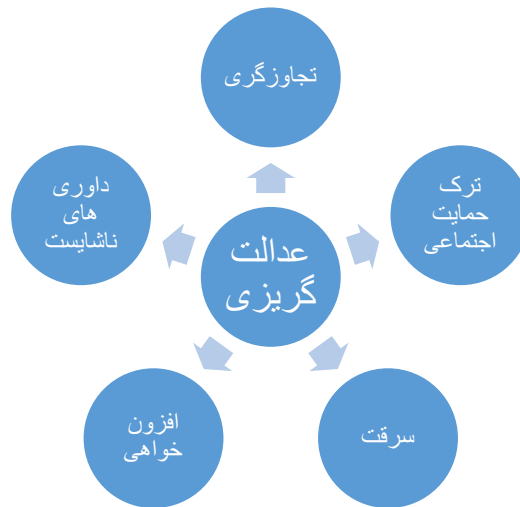
## ۲- کدبندی محوری موانع تحقق عدالت

در این مرحله، مقولاتی که از شمولیت و جامعیت بیشتری برخوردار بوده و بتواند بخش زیادی از مفاهیم احصاشده را در خود جای دهد و با موضوع تحقیق مرتبط باشد، شناسایی شد. سپس آیات مرتبط با هر یک از مفاهیم و مقولات بر اساس ویژگی ها و ابعاد مورد تحلیل قرار گرفت. «کدگذاری محوری، به چگونگی تلاقی مقوله‌ها با یکدیگر و به نحوه اتصال آن‌ها نظر دارد.» (استراوس و کرین، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶). با این وصف، مقولات و مفاهیم مرتبط با آن در دو دسته به شرح ذیل طبقه بندی شدند.

### ۲-۱- مقوله برخورداری از روحیه عدالت‌گریزی

عدالت‌گریزی خصوصیتی است که وقتی در فرد درونی و تثبیت شود، دیگر تن به اجرای عدالت نداده و از هر آن چه که زمینه‌های فرصت‌طلبی را بر او تنگ نماید، پرهیز می‌کند. شکل یک نشان دهنده روابط پیرامونی (تجاوز گری، ترک حمایت اجتماعی، سرقت، افزون خواهی و داوری های ناشایست) با ایده مرکزی (وجود روحیه عدالت‌گریزی) است. بدین معنا که روحیه عدالت‌گریزی چگونه در شکل‌گیری مصادیق ستم تأثیرگذار است.

## شکل ۱- مفاهیم در مقوله برخورداری از روحیه عدالت‌گریزی



## ۲-۲-۲- مقوله فرهنگ‌سازی ستم

فرهنگ عبارت است از: «ذهنیت و عواطف مشترک و الزام‌آور در یک جامعه یا باورهای مشترک و تجلیات آن (شامل ارزش‌ها، نمادها و هنجارها)» (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۲). از فرهنگ به‌عنوان بنیاد اجتماعات انسانی و زمینه‌ساز حرکت به‌سوی اهداف از پیش تعیین شده می‌توان یاد کرد. با این وصف، زمانی می‌توان گفت که فرهنگ، امری مثبت و سازنده و هدف‌والایی است که دارای ویژگی‌هایی باشد. از مهم‌ترین آن‌ها، بستر مناسب بودن برای تعالی و تکامل بشری است. بر این اساس، می‌توان از فرهنگ مثبت و منفی یاد کرد و این‌گونه نیست که هر فرهنگی، ارزشی و مطلوب باشد. همین تفاوت‌های میان فرهنگ‌هاست که مسئله مهم فرهنگ‌سازی مثبت و ارزشی را در برابر فرهنگ‌های منفی و یا فرهنگ‌سازی‌های منفی و غیرمفید پدید آورد. فرهنگ‌سازی مبتنی بر ستم‌پیشگی از آن دسته عناصر فرهنگی است که مانعی جدی در فرایند تحقق بخشی عدالت از آن یاد می‌شود. مفاهیم ذیل، بخشی از این دسته عناصر فرهنگی است که مانع تحقق عدالت‌اند.

شکل دو به منظور نشان دادن اطلاعات موجود در دایره مرکزی است و بر چگونگی کمک‌رسانی اطلاعات در حلقه

بیرونی دایره‌ها به ایده مرکزی، تأکید می‌کند.

## شکل ۲- مفاهیم وابسته به مقوله فرهنگ سازی ستم



جدول ۱- کدبندی متمرکز موانع تحقق عدالت

ردیف	مقوله ها	مفاهیم	تعریف مقوله
۱	برخورداری از روحیه عدالت گریزی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تجاوزگری</li> <li>- ترک حمایت اجتماعی</li> <li>- سرقت</li> <li>- افزون خواهی</li> <li>- داوری ناعادلانه</li> </ul>	عدالت گریزی خصوصیتی است که وقتی در فرد درونی و تثبیت شود، دیگر تن به اجرای عدالت نداده و از هر آن چه که زمینه های فرصت طلبی را بر او تنگ نماید، پرهیز می کند.
۲	فرهنگ سازی ستم	<ul style="list-style-type: none"> <li>- گمراهی</li> <li>- تفرقه افکنی</li> <li>- اشاعه نابهنجاری ها</li> </ul>	فرهنگ سازی مبتنی بر ستم پیشگی به آن دسته از عناصر فرهنگی اطلاق می شود که مانعی جدی در فرایند تحقق عدالت شمرده می شود.

جدول ۲- نتایج کدگذاری و مقوله سازی موانع تحقق عدالت

آیه / سوره	مشخصه ها	مفاهیم	مقوله‌ها
۲/۲۳۱ ۵/۴۵، ۵/۵۱ ۲/۳۵، ۷/۱۹ ۶۵/۱، ۲۹/۴۰ ۴۳/۷۴ و ۷۶ ۴/۶۴، ۲/۲۲۹ ۱۴/۲۱ ۲/۵۹	- تجاوز به حقوق هم نوع:  - تجاوز از فرامین الهی:  - تغییر در فرمان الهی	تجاوز گری	برخورداری از روحیه عدالت گریزی
۲/۲۵۴	اجتناب از پرداخت انفاق و زکات	ترک حمایت اجتماعی	
۵/۹-۳۸		سرقت	
۳۸/۹-۲۳/۵-۳۴	زیاده طلبی و عدم انفاق	افزون خواهی	
۵/۴۵	حکم بر خلاف آنچه خداوند فرمان داده	داوری ناشایست	
۴-۲۳-۷۱ ۲/۵۹ ۷/۵-۴۴	گمراه کردن دیگران	گمراهی	
۹/۱۰۹ و ۱۰۷	ایجاد گسست بین اعضای جامعه	تفرقه افکنی	
۶/۶۸ ۴۹/۱۱ ۴۹/۱۱ ۴۹/۱۱ ۲۳/۷-۵ ۷۰/۳۱-۲۹ ۲۹/۳۱ ۱۲/۲۳	- استهزاء:  - عیب جویی:  - خطاب به القاب زشت:  - انحراف جنسی:	اشاعه نابهنجاری‌ها	فرهنگ سازی ستم

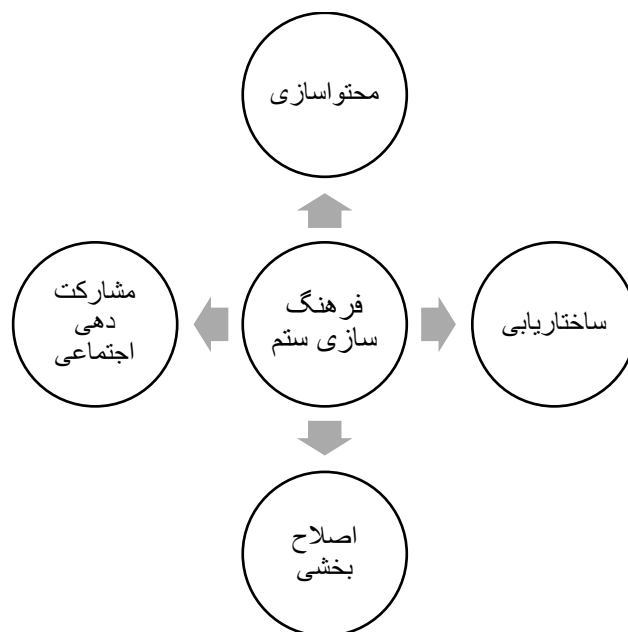
- اعداد سمت چپ ممیز شماره سوره و اعداد سمت راست ممیز شماره آیه می باشد.

### ۳-۲- کدبندی گزینشی موانع تحقق عدالت

در مرحله پایانی کدبندی‌های سه‌گانه، به انتخاب مقوله مرکزی خواهیم پرداخت؛ تا این مقوله بتواند زمینه تحلیل سایر مقولات و مفاهیم وابسته را فراهم سازد. بر این اساس مقوله فرهنگ‌سازی ستم به‌عنوان هسته میانی تحلیل موانع عدالت ورزی برگزیده شد. «فرهنگ‌سازی را می‌توان فرایندی دانست که موجبات محتوا سازی، ساختاریابی، اصلاح بخشی و مشارکت‌دهی اجتماعی را از رهگذر تعامل‌گرایی جوامع فراهم می‌سازد» (دهشیری، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲)

در شکل سه، هسته میانی «فرهنگ‌سازی ستم» قرار گرفته به طوری که چهار دایره پیرامونی آن که عبارتند از: محتوا سازی، ساختاریابی، اصلاح بخشی و مشارکت‌دهی اجتماعی موانع عدالت ورزی را تبیین می‌نماید.

شکل ۳- ابعاد فرهنگ‌سازی ستم



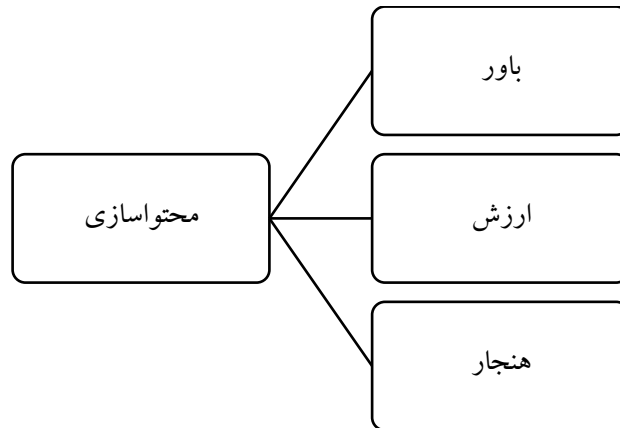
### ۴- محتوا سازی در فرایند فرهنگ‌سازی ستم

اگر برای فرهنگ، عناصر باورها (نظام جهان بینی)، ارزش‌ها (بایدها و نبایدها) و هنجارها (الگوهای برآمده از ارزش‌ها و باورها) را برشماریم (صدیق اورعی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۶) و از طرفی به خصوصیت فرایندی بودن مکانیزم فرهنگ‌سازی توجه نماییم، ناگزیر خواهیم بود، هر یک از عناصر فرهنگی، موانع عدالت ورزی و تعاملی بودن آن را در محتوا سازی بر اساس داده‌های مستخرج از آموزه‌های قرآنی تحلیل نماییم.

شکل چهار نشان می‌دهد هر یک از عناصر فرهنگ (باور، ارزش و هنجار) در روابط سلسله‌مراتبی از بالا به پایین چگونه در محتوا سازی اثرگذار است.



شکل ۴- ابعاد محتواسازی



#### ۴-۱- باور

قبول داشتن یک گزاره را باور<sup>۱</sup> گویند. (همان، ص ۱۱۲). نظام باورهای دینی، زمینه ساز پابندی به هنجارهای عدالت ورزی می‌شود؛ چنان که هر گونه اختلال در این دسته از باورها، می‌تواند زمینه ستم را در فرد تقویت نماید. تکذیب آیات الهی، پیامبر، معاد، صدق و حق و در نتیجه اعراض و انکار آن‌ها فروغ عدالت ورزی را خاموش کرده و زمینه ساز ستمکاری می‌شود.

#### ۴-۲- ارزش

ارزش<sup>۲</sup> ها، باورهایی هستند که نسبت به آن‌ها داوری کرده و امتیاز مثبت یا منفی به آن می‌دهیم و محصولی اجتماعی است که از یک گروه به گروه دیگر یا از یک جامعه به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر، ممکن است متفاوت باشد. «اهمیت ارزش در آن نهفته است که پایه ارزیابی ما را از پدیده‌های اطراف مان، از خودمان، از نزدیکان و از دیگر انسان‌ها و از جامعه تشکیل می‌دهند و در واقع رفتار ما را نسبت به آن‌ها تنظیم می‌کند» (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۲۷۰-۲۶۹). بنابراین، وجود و تقویت ارزش‌های اجتماعی مانند افزون‌خواهی، سودجویی، رفاه‌زدگی، دوستی با کفار و نابهنجاران نیز می‌تواند زمینه ساز ستم‌پیشگی شود و فرد را به سوی ستمکاری سوق دهد.

#### ۴-۳- هنجار

«باورهای مشترک به صورت نماد درمی‌آیند و بخشی از این نمادها، که شکل معینی از عمل است و مورد قرارداد جمع و توافق جمع است، هنجار نامیده می‌شود» (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۰۵-۱۰۴). بنابراین، هنجارهای شکل گرفته

<sup>1</sup> - Belief

<sup>2</sup> - value

مبتنی بر باورهای غیردینی، مانع عدالت ورزی می شود. این دسته از هنجارها، عبارتند از: سرقت، ترک حمایت اجتماعی، فرار از جهاد، پیروی از فرامین شیطانی، اجتناب از فرامین الهی، پیمان شکنی و تخریب نمادهای دینی مانند مساجد.

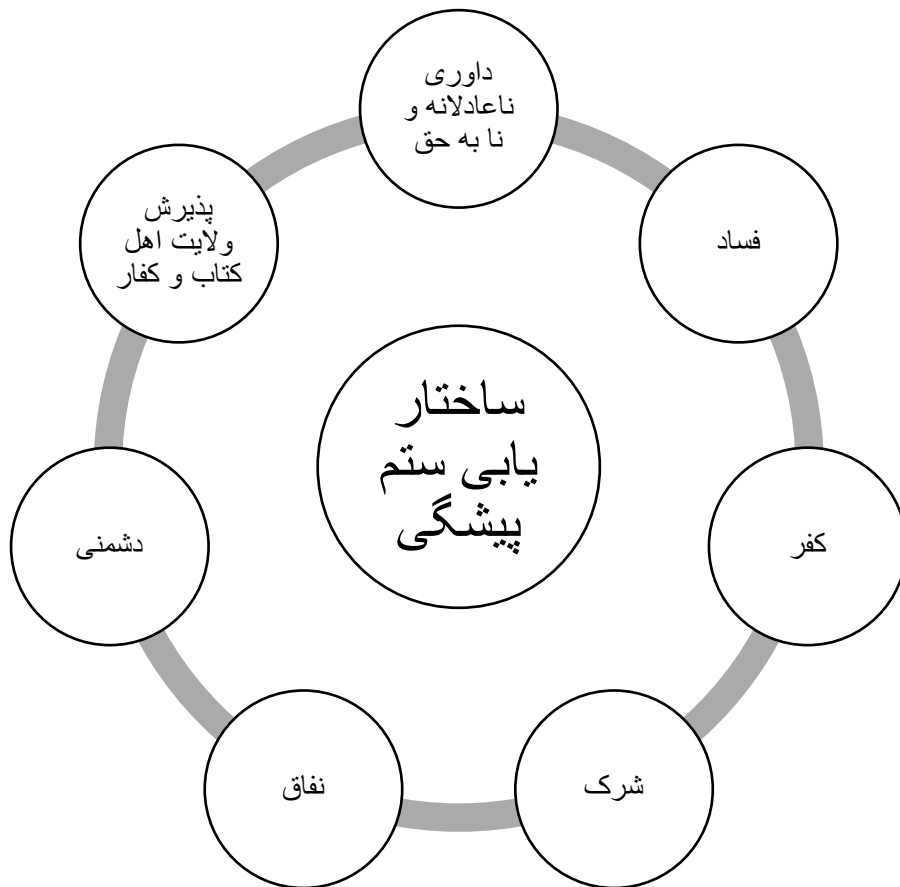
#### ۴-۴- ساختاریابی در فرایند فرهنگ سازی ستم

از نظر گیدنز: «ساختارهای اجتماعی عبارتند از مجموعه کلی و دفعتاً ظاهر شونده‌ای از قواعد، نقشها و روابط و معانی که افراد در درون آن‌ها به دنبال آینده به کمک اندیشه و عمل انسان‌ها سازماندهی، باز تولید و متحول می شوند». (داورپناه، محمد رضا، سالاری، محمود، ۱۳۹۰، ص ۲۲). این انسان‌ها هستند که در طی زمان ساختارها را خلق می کنند و مبتکر تحول در آن‌ها می گردند نه خود جامعه؛ ولی فعالیت‌ها و ابتکارات خلاقانه آن‌ها تابع محدودیت‌های اجتماعی است.

«به باور گیدنز، ساختارها به طور مستقل وجود ندارند، بلکه در لفاف کنش‌ها پوشیده‌اند. آن‌ها فقط در کنش و به واسطه کنش وجود دارند که آن‌ها را تولید و باز تولید می کند. وی کنشی را که در داخل ساختارها (قواعد) انجام می گیرد، کردار اجتماعی می نامد. هر فرایندی از کنش، دستاورد چیز تازه‌ای است. دستاورد عمل تازه‌ای، اما در همین حال همه کنش‌ها استمرار گذشته‌اند، گذشته‌ای که فراهم کننده ابزارهای آغاز کنش است. بنابراین، ساخت را نه به عنوان مانع کنش، بلکه باید به عنوان چیزی که در ایجاد کنش نقش پایه‌ای دارد در نظر گرفت.» (همان)

ساختار ستم‌پیشگی مجموعه قواعد، نقش‌ها و روابط و معانی باز تولید می کند که از افراد درون ساختار، ستم را می طلبد و از طرفی ساختارها به طور مستقل نمی توانند وجود داشته باشند بلکه در ذیل کنش‌هاست که نضج می گیرند؛ لذا یک تعامل دوسویه‌ای بین ساختارها و کنش‌های درون‌ساختاری شکل می گیرد. با این وصف، مفاهیمی که در ذیل ساختار ستم‌پیشگی قرار گرفته و زمینه ساز ایجاد و گسترش ستم می شود عبارتند از: داوری ناعادلانه و نابه‌حق، فساد، کفر پس از ایمان، کفر، کفار محارب، شرک، نفاق، حق ناپذیران، دشمنی، پذیرش ولایت اهل کتاب و کفار. شکل پنج نشان می دهد اجزاء ساختی در یک تعامل پیوسته، ساختار ستم‌پیشگی را شکل می دهد.

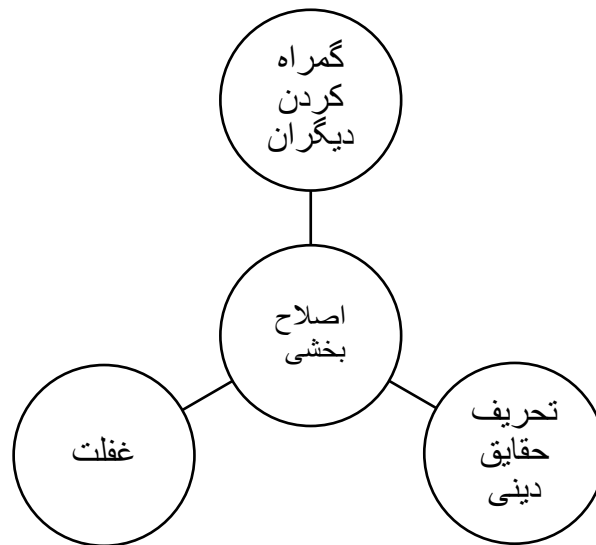
شکل ۵- ساختاریابی ستم‌پیشگی



#### ۵-۴- اصلاح بخشی در فرایند فرهنگ‌سازی ستم‌پیشگی

اگر اصلاح بخشی را، باور به امکان تغییر ساختارهای بنیادی یک جامعه از طریق تغییر تدریجی از درون نهادها و کنش‌های موجود بدانیم، ستم‌پیشگان در فرایند فرهنگ‌سازی، عناصری از پازل عدالت‌ورزی را در جهت تقویت و گسترش ستم به نفع خویش تغییر داده تا زمینه نهادینه شدن عناصر فرهنگی‌شان فراهم شود. لذا بهره‌مندی از روش‌های گمراه‌سازی دیگران در قالب تحریف حقایق دینی و غفلت در دستور کار ستم‌پیشگان قرار می‌گیرد.

شکل ۶- اصلاح در فرهنگ‌سازی ستم



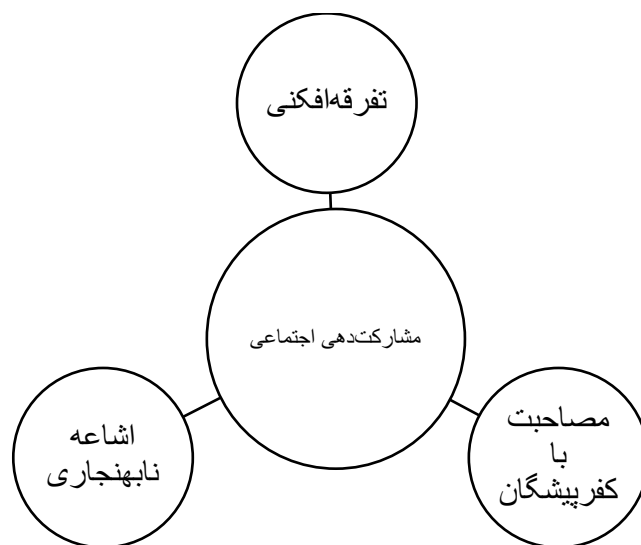
#### ۶-۴- مشارکت دهی اجتماعی در فرایند فرهنگ‌سازی ستم

دو رویکرد شناختی و کنشی، دو شکل از مشارکت در سطح فردی است که به جنبه درونی می‌پردازد و شکل دیگر آن، ناظر به نظارت‌های اجتماعی نسبت به دیگران است تا زمینه تحقق هرچه بهتر عناصر ستم‌پیشگی در جامعه را محقق نماید. مشارکت‌های انفرادی تک تک اعضای جامعه به نوعی در محتوا سازی در قالب ارزش‌ها و کنش‌های تولید شده از آن بحث و بررسی صورت گرفت. شکل دیگر آن که شامل مشارکت‌های نظارتی و تعاملی با سایر اعضای جامعه است در این بخش بدان پرداخته می‌شود. مشارکت‌هایی مانند: تفرقه افکنی، مصاحبت با کفرپیشگان، اشاعه نابهنجاری‌هایی از قبیل استهزاء، خطاب به القاب زشت، عیب‌جویی و بی‌عفتی.

شکل هفت نشان می‌دهد پس از تولید محتوای ستم و تشکیل اجزاء ساختی در ساختار ستم‌پیشگی، مشارکت‌های

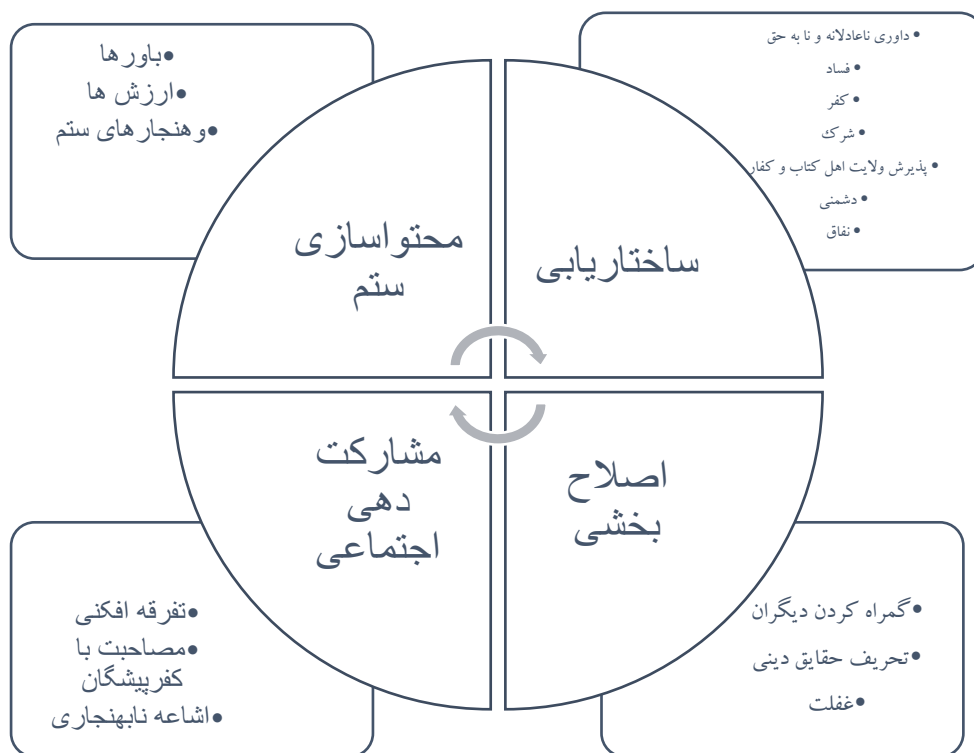
اجتماعی این فرایند را به فرجام نهایی می‌رساند.

شکل ۷- مشارکت دهی در فرهنگ‌سازی ستم



در شکل هشت ارتباط و تعامل نظام وارگی بین اجزاء فرهنگ‌سازی ستم نشان داده شده است. به طوری که باورها، ارزش‌ها و هنجارهای ستم، محتوای مربوطه برای شکل‌گیری اجزاء ساختی در نظام ستم پیشه را به وجود آورده و مبتنی بر آن ساختار شکل گرفته است. جزء متمم این فرایند نظام واره، ایجاد تغییرات لازم به منظور نهادینه شدن ستم است لذا اصلاحات در برخی از اجزاء گریزناپذیر است تا مشارکت اجتماعی اعضای جامعه را به همراه داشته باشد.

## شکل ۸- تعامل عناصر فرهنگ‌سازی موانع عدالت



## نتیجه‌گیری

در این مطالعه موانع تحقق عدالت، از میان آموزه‌های قرآن، احصاء شد و در یک تعامل پیوسته و در ارتباط با هم، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و برای این کار از روش نظریه‌پردازی داده محور استفاده شد و قرآن به مثابه یک پیکره پژوهشی مورد مطالعه قرار گرفت. مفاهیم مرتبط با موانع در قالب انواع کدگذاری مرتب شد و مقولات مرتبط با آن‌ها از میان کدهای انتخابی برگزیده شدند و مقوله مرکزی در هسته ارتباط و تعامل با دیگر مقولات و مفاهیم پیرامونی به منظور تبیین موانع مشخص گردید. موانعی که تحقق عدالت را دچار چالش کرد در دو مقوله طبقه‌بندی شد. روحیه عدالت‌گریزی و فرهنگ‌سازی ستم؛ مفاهیم ذیل برخورداری از روحیه عدالت‌گریزی با مفاهیم: تجاوزگری، ترک حمایت اجتماعی، سرقت، افزون‌خواهی داوری ناعادلانه، فرار از جهاد و مفاهیم ذیل فرهنگ‌سازی ستم با مفاهیم: گمراهی، تفرقه‌افکنی، اشاعه ناهنجاری‌ها متمایز گشت؛ از میان دو مقوله احصاء شده، مقوله فرهنگ‌سازی ستم به دلیل جامعیت به عنوان هسته مرکزی برگزیده شد تا بتواند در تعامل با سایر مفاهیم و مقولات تحلیل موانع عدالت ورزی را انجام دهد. همچنین الگوی موانع تحقق عدالت نیز در سه مؤلفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. موانع تعاملات ظالمانه و آثار اجتماعی ستمگری؛ موانعی که منجر به ستم‌پیشگی می‌شود: پیروی از هوای نفس و در نتیجه گمراهی و ضلالت، تمسک به ناهنجاری‌ها و اشاعه

آن و تثبیت روحیه تجاوزگری است. این دسته از موانع، تعاملاتی خاصی را می‌طلبد. تفرقه‌افکنی، داوری‌های ناعادلانه و ترک حمایت اجتماعی برخی از این تعاملات است که از آموزه‌های قرآنی استخراج شده است. آثاری که از این وضعیت حاصل می‌شود، سرقت، فرار از جهاد و افزون‌خواهی است.

## منابع

- قرآن (۱۳۷۴ ش.)**. ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران: نشر سروش.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۴)، **فرهنگ معاصر عربی-فارسی**، تهران: نشر نی.
  - ابن فارس، ابن زکریا بن حبیب. (۱۳۸۷ ق.)، **ترتیب مقایس اللغه**، ترتیب و تنقیح: سعید رضا علی‌عسگری وحیدر مسجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  - اخلاقی، غلام سرور. (۱۳۸۹ ش.)، «راهکارها و موانع تحقق عدالت در نظام سیاسی اسلام»، **فصلنامه علمی کوثر معارف**، سال ششم، ش ۱۳، صص ۲۱۰-۱۷۶.
  - استراوس، انسلم و دیگران. (۱۳۹۰)، **مبانی پژوهش کیفی**، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
  - ایازی، سید علی نقی. (۱۳۹۵ ش.)، **موانع تفکر در فرایند پیشرفت**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
  - ایازی، سیدعلی نقی. (۱۳۹۶)، «تأثیر کنش‌های اجتماعی در فرایند پیشرفت بر اساس آموزه‌های قرآن»، **فصلنامه پژوهش‌های قرآنی**، سال بیست و دوم، ش سوم، صص ۱۰۷-۸۰.
  - حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴ ق) **انوار درخشان**، تهران: کتابفروشی لطفی.
  - داورپناه، محمد رضا و محمود سالاری. (۱۳۹۰ ش.)، «نظریه اجتماعی و محیط استفاده از اطلاعات، نقش ساختار و کنش در شکل‌گیری رفتار و الگوی اطلاع‌یابی»، **پژوهش‌نامه کتابداران و اطلاع‌رسانی**، دوره ۱، شماره ۱۱، صص ۲۲-۷.
  - دهشیری، محمد رضا. (۱۳۸۸ ش.)، «رسانه و فرهنگ‌سازی»، **نشریه تحقیقات فرهنگی**، دوره دوم، ش ۸، صص ۲۰۸-۱۷۹.
  - رستگار، عباسعلی و ابراهیم مردانی. (۱۳۹۳ ش.)، «ارتباط عدالت سازمانی با حمایت اجتماعی در کارکنان بیمارستانی»، **نشریه اخلاق زیستی**، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۱۴۲.
  - رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸ ش.)، **آناتومی جامعه**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
  - صادقی‌تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ ق.)، **الفرقان فی تفسیر القرآن**، قم: فرهنگ اسلامی.

۱۳. صدیق اورعی، غلامرضا و احمد فرزانه و دیگران. (۱۳۹۹ش.). *مبانی جامعه‌شناسی مفاهیم و گزاردهای پایه*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۳ش.). *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. علی احمدی، علی رضا و وحید سعید نهایی. (۱۳۸۷ش.). *منتخبی از کتاب توصیفی جامع از روش‌های تحقیق*، تهران: انتشارات تولید دانش.
۱۶. فضل‌الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، لبنان: دارالملاک.
۱۷. قائمی، علی. (۱۳۷۲ش.). *خانواده و مسائل جنسی کودکان*، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۱۸. کوئن، بروس. (۱۳۷۲ش.). *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۹. محمد پور، احمد. (۱۳۸۹ش.). *ضد روش*، تهران: جامعه‌شناسان.
۲۰. مغنیه، محمد جواد. (۱۳۸۵ش.). *الکاشف*، ترجمه‌ی موسی دانش، قم: بوستان کتاب.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. منصوریان، یزدان. (۱۳۸۵ش.). «گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»، *همایش چالش‌های علم اطلاعات*، دانشگاه اصفهان.

## References

The Holy Qur'an, Persian Translation: AbdulMuhammad Ayati, Tehran: Soroush.

1. Ibn Fāris, Ahmad bin Fāris (1387 AH), *Mu'jm Maqāyīs al-Lugha*, Qom: Seminary and University Research Center.
2. Akhlaghi, Gholam Sarvar (2010), "Ways and obstacles of justice in the political system of Islam," *Scientific Research Quarterly of Kawthar-e Maaref*, 6(13): 176-210.
3. Azarnoush, Azartash (2005), *Modern Arabic-Persian Dictionary*, Tehran: Ney.
4. Esteravas Anselem et al (2011), *Basics of Qualitative Research*, Trns: Ibrahim Afshar, Tehran: Ney.
5. Ayazi, Seyyed Ali Naghi (2016), *Obstacle of Thought in the Process of Research*, Qom: Islamic Sciences and Culture Research Center.



6. Ayazi, Seyyed Ali Naghi (2017), "The role of thinking in the process of progress based on the Qur'anic teachings," *Quarterly Journal of Qur'anic Research*, 22(3): pp. 80-107.
7. Parcham, A'zam and Fanaey, Parvin (2009), *The Semantic Net of Bad Temper in The Qur'an*, *Qur'an and Hadith Sciences Research*, 6(2): pp. 149-170.
8. Hosseini Hamedani, Seyyed Mohammad Hossein (1404 AH), *Shining Lights*, Tehran: Lotfi Bookstore.
9. Davarpanah, Mohammad Reza and Salari, Mahmood (2011), "Social theory and the environment of using data: the role of structure and action in forming behavior and sample of informing," *Journal of Librarians and Information*, 1(11): pp. 7-22.
10. Dehshiri, Mohammad Reza (2009), "Media and culture building," *Journal of Cultural Research*, 2(8): pp. 179-208.
11. Rastegar, Abbas Ali and Mardani, Ibrahim (2014), "Relations between organizational justices and social support among hospital personnel," *Bioethics*, 4(13): pp. 142.
12. Rafee Poor, Faramarz (1999), *The Anatomy of Society*, Tehran: Publishing Company.
13. Sadeqi Tehrani, Mohammad (1406 AH), *Al-Furqān fī Tafsīr al-Qur'an*, Qom: Islamic Culture Publications.
14. Sediq Avraei, Gholamreza et al. (2020), *Principles of Sociology: Fundamental Concepts and Propositions*, Qom: Seminary and University Research Center.
15. Tabataba'i, Mohammad Hossein (1984), *Tafsīr Al-Mīzān*, Persian Translation: Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications Office.
16. Ali Ahmadi, Ali Reza and Nahayi, Vahid Saeed (2008), *A Selection from the Book of a Comprehensive Descriptive of Research Methods*, Tehran: Tovlid-e Danesh.
17. Fadl Allah, Sayed Mohammad Hossein (1419 AH), *Min Wahy al-Qur'an*, Lebanon: Dar al-Malak.
18. Gha'imi, Ali (1993), *Family and Sexual Issues of Children*, Tehran: Publications of The Association of Parents and Educators of the Islamic Republic of Iran.
19. Coen, Bruce (1993), *An Introduction to Sociology*, Persian Translation: Mohsen Thalathi, Tehran: Contemporary Culture.
20. Mohammadpour, Ahmad (2010), *Anti-Method*, Tehran: Sociologists.
21. Muqniyeh, Mohammad Jawad (2006), *Al-Kāshif*, Persian Translation: Musa Danesh, Qom: Boostan-e Ketab.
22. Makarem Shirazi, Nasser (1995), *Nemouneh Commentary*, Tehran: Islamic Books House.

23. Mansourian, Yazdan (2006), “What is grounded theory and what does it do?”  
*The Conference of Information Science Challenges*, University of Esfahan.